



۴

شیوه و نیزه در قرن شانزدهم

و نیز شهر تجارتمی پررونقی بود که ارتباط آن با مشرق زمین بیشتر از
ایتالیا بود. در طی ده قرن این شهر که حکومتی مستقل داشت بخلاف نواحی

دیگر ایتالیا از زدوخوردهای داخلی
مصون ماند و در مقابل مهاجمات
مقاومت کرد و بسبب تجارت پررونقی
که داشت مردم آن در رفاه و آسایش
بسر می بردند و باین سبب بتدریج ذوق
هنر در آن سر زمین نمو کرد تا آنجا
که در قرن شانزدهم گروهی نقاش
زبردست پرورش داد. هنرمندان
و نیزه نخستین کسانی بودند که به
خواص رنگ روغنی پی بردند و از آن
استفاده کردند. درباره استادان شیوه
و نیزه نخست باید از هنرمندی سخن
گفت که پیشوای دوره خود بود و به هیچ
شیوه خاصی تعلق ندارد. این نقاش

آتیوپ - از: کورجیو



انتونیو الگری Antonio Allegri معروف به کورجیویا بتلفظ فرانسوی (le Corregge) است که در سال ۱۴۹۴ متولد شد و در ۱۵۳۴ درگذشت. این نقاش بزرگ‌ترین رفاایل شمرده می‌شود و معروف است که نخستین بار چون پرده

« سنت سسیل » کار رفاایل را دید از فرط شوق و آرزوی رسیدن بآن مقام فریاد کشید: « من هم نقاشم » و این جمله جزء مثل سائر شده است. کورجیو در رنگ آمیزی بسیار زبردست بود و حتی در این کار بعضی از هنرشناسان او را برتر از داوینچی و میکلا آنژ شمرده‌اند. اما نقصی که در آثار او

→ نیم تنه و نوس - از: کورجیو



هست تصنعی است که بزودی بچشم می‌خورد. تناسب و تعادل در نگاه و مجالسی که او نقش کرده بنهایت کمال است جز آنکه در مجموع پرده هیچ نکته غیر-منتظری که موجب جلب نظر بشود وجود ندارد. در آثارش حسن ترکیب رنگها همیشه چشم را نوازش می‌دهد اما اغلب توجه به قیودی

نیم تنه و نوس - از: بوتیچلی ←

صورت مرد - از: جیورجیونه ←



که نقاش داشته مایهٔ رمیدن خاطر می شود. کورجیو یکباره ارتباط نقاشی جدید را با هنر قرون وسطی منقطع کرد و شیوهٔ اورا همهٔ نقاشانی که بعد آمدند پیروی کردند موضوع پرده‌های او نیز اغلب داستانهای مذهبی مسیحیانست، اما مریم عنذرا دیگر جنبهٔ روحانی و غیر بشری سابق را ندارد بلکه در پرده‌های نقاشی او زنان زیبا نمایندهٔ چهرهٔ مریمند و کودکان فرجهٔ دلاویز عیسی مسیح را در آغوش مادر جلوه می‌دهند. هنر این نقاش در پرده‌های غیر مذهبی او بکمال رسید. ذوق و دلپستگی

او به نقش تن آدمی و جنبش و حیات آن موجب شد که در این رشته بتواند شاهکارهایی بوجود بیاورد. پرده‌های Danae و آنتیوپ و Antiope همیشه بهترین اثر این سبک هنر شمرده خواهد شد و نقاشان همهٔ ادوار بعد که به نقش «تن برهنهٔ انسان» پرداخته‌اند بندرت توانسته‌اند زیبایی و جمال تن را با این استادی و مهارت فنی و باروشی باین سادگی جلوه‌گر کنند. رنگ‌طلایی و صدفی که در نقاشی تن زن جوان بکار رفته است کمتر نظیر دارد.

همهٔ نقاشی‌های طاق و درون گنبد که در ایتالیا بدست نقاشان پیرو شیوهٔ معروف به باروک Baroque انجام گرفته تحت تأثیر کارهای کورجیو بوده است. و در موضوعهایی که از اساطیر یونان اقتباس شده است در آثار نقاشان قرن هجدهم تأثیر او نمایان است.

کورجیو عالم نقاشی را وسعت داد. وی نخستین کسی است که در پرده‌های نقاشی «فضا» را تسخیر کرد و نخستین بار پی برد که با اتخاذ دو وسیلهٔ تشابه و تضاد می‌توان با علی‌درجه در بیننده اثر گذاشت. کمتر نقاشی توانسته است مانند او نقش اشخاص را با فضا و روشنایی اطراف آنها هم آهنگ کند.

مقایسهٔ دو پردهٔ نیم‌تنهٔ زن که یکی کار بوتی چلی Botticelli و دیگری کار کورجیو است تفاوتی را که در شیوهٔ نقاشی این دو استاد هست و همچنین پیشرفت را که در هم آهنگی میان نقش انسان با فضای اطراف بدست کورجیو آغاز

(۱) آنتیوپ دختر پادشاه تب که بر طبق اساطیر یونان ژو پتر خدای خدایان باو دل باخت برای بودن او بصورت سائیر (موجودات نیمه انسان و نیمه حیوان) درآمد.

شده است نشان می‌دهد. در پرده بوتی چلی می‌بینیم که خطهای دور چهره و سر و شانه‌ها صریح است و گوئی سر و اندام از فضای اطراف بریده شده است. اما در پرده کار کورجیو چنین صراحتی در خطوط نیست بلکه سایه روشن چهره و اندام باروشنی اطراف آن آمیخته و بتدریج از روشنی کامل به سیاهی و تاریکی تمام می‌رسد. نتیجه این تفاوت در سبک تفاوتی در تأثیر است. شیوه نخستین بیشتر به ادراک توجه دارد. تماشای پرده بوتی چلی نقشی صریحتر و دقیقتر در ذهن بیننده رسم می‌کند اما احساس و عاطفه‌ای در او نمی‌انگیزد. پرده کورجیو بیشتر با احساس و عاطفه سر و کار دارد. صراحت و وضوح نقش کمتر است. اما حالت را شدیدتر به ذهن القاء می‌کند.

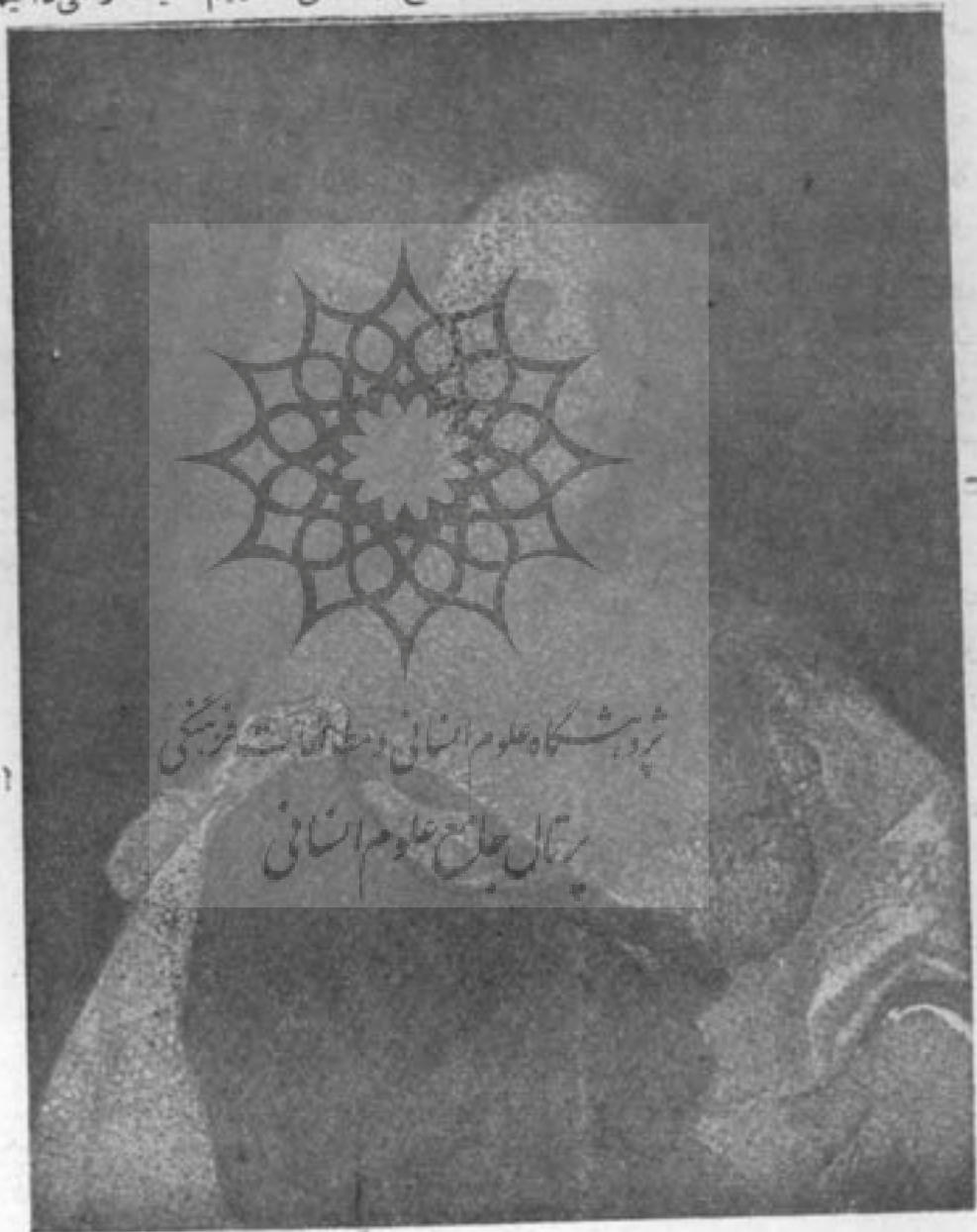
البته این تفاوت در باره روش کار و نحوه تأثیر و شیوه هنری است و غرض از ذکر آن نشان دادن تفاوت میان شیوه‌های مختلف نقاشی است نه رد یک شیوه

ملوفان - از: «جیورجیو» - (موزه ونیز)



پروفسور کلاه‌علوی استاد دانشگاه تهران
ریاست جامع علوم انسانی

و قبول دیگری یا برتری دادن این بر آن.
 نقاش بزرگ دیگر این زمان « جیورجیو داکاستلفرانکو » معروف به
 جیورجیونه (Giorgione) است که در سال ۱۴۷۷ در ونیز بدنیا آمد و در
 ۱۵۱۰ در گذشت. از زندگی این استاد اطلاع فراوانی نداریم اینقدر می دانیم



ویولانته : از پالما

که در حدود سال ۱۴۹۴ به ونیز آمد و شیوه او در آثار نقاشان بزرگ زمان مانند
 بلینی Bellini و تی سین Titien تأثیر فراوان کرد.
 از آثار او که برای تزیین بناها ساخته شده بود چیزی باقی نمانده است.

اما از پرده های نقاشی او «سه مجوس» و «عذرای کاستلفرانکو» درموزه
وین و «طوفان» در وینز و «نوس خفته» در شهر درسدن و «کنسر
مزرعه» درموزه لوور موجود است. او نیز شیوه معمول قرون را بکلی ترک
کرد و شیوه جدیدی پیش گرفت. اما این تحول در آثار او بتدریج مشهود شد.
در پرده های مذهبی که کار دوره اول عمر اوست با نقاشان سالخورده همعصر
خود مانند بلینی بسیار نزدیک است. اما در نقاشی های غیر مذهبی آزادی
بیشتری داشته و شیوه خاص خود را بوجود آورده و همه نقاشان و نیز راه
راه تازه ای سوق داده است. پرده های اخیر که معروفترین آنها را در بالا
ذکر کردیم مبدأ تاریخ جدیدی در نقاشی شمرده می شود. در تابلوهای
او منظره طبیعت اهمیت تام یافته و ارتباط میان منظره و اشخاص بهترین وجهی
برقرار شده است. اندام زن در آثار او اغلب تقلید از پیکر ونوس در آثار یونان
باستان است و ظرافت و کمالی دارد که بعدها سرمشق بسیاری از استادان
بزرگ مانند «مانه» قرار گرفت. همه نقاشان بزرگ و نیز در آخر قرن شانزدهم
نحت تأثیر جیورجیونه بودند و تین تورت Tintoret آثار او را سر-
مشق قرار دادند.

از جمله پیروان او پالما Palma را نام باید برد که اگرچه در آثارش
استحکامی ستودنی هست بیای استاد خود نمی رسد. دیگر لورنزو لوتو
Lorenzo Lotto که رنگهای نشاط انگیز و خام در پرده های خود
بکار می برد

پژوهنده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

بی تو

بی تو مرا جاودان بهشت نباید
دست و دل و کار من همی نگشاید
(امیر معزی)

بی تو مرا یار و غمگسار نشاید
تا توییایی گشاده روی بر من